

به نام خداوند جان و خرد

نمی‌دانم چقدر از مسلمانان به تقلید در اسلام معتقدند اما به یقین می‌توان گفت اکثریت با مقلدان است. من خود افرادی را می‌شناسم که بدون کمی تفکر اقدام به استفتاء می‌کنند به طوری که انگار خود خردی برای تفکیک خوب یا بد ندارند. اگر کمی انسان تنها کمی بیندیشد می‌توان کاستی در دین را درک کند که هر زمان نیازمند به روز رسانی توسط دکان‌داران آن است. به نظر من دین، آن دینی است که حداقل کمی برای دانش بشر ارزش قائل باشد در مورد هر مسئله‌ای فتوا صادر نکند که پس از آن مجبور به پس گرفتن آن و یا تغییر اساسی آن باشد. دین، آن دینی است کمی آینده‌نگری در آن باشد مثلاً مسئله‌ای را به دانش زمان بسپارد تا در زمان‌های آینده با پیشرفت علم کسی از دین روی برنگرداند.

مطلبی که در ادامه می‌آید بخش‌های کوچکی از رساله آیت‌اله مکارم شیرازی چاپ ۸۶ را آورده‌ام تا کسانی را که از این شخصیت تقلید نمی‌کنند را با دانش او آشنا کنم. شاید دگراندیشانی که قصد مسلمان شدن دارند هم با تفکر یکی از عالمان شیعه آشنا شوند. این مطلب شاید جنبه طنز داشته باشد اما دارای نکاتی است که مسلمانان باید به آن حتما عمل کنند. از نگر اسلام بی‌اعتنایی به این مطالب و خلاف آن عمل کردن آنها را به دوزخ می‌برد. تعداد این مسائل زیاد است اما من تنها تعدادی که به اصطلاح تابلوتر هستند آورده‌ام تا درک آن برای کسانی که تازه از اسلام روی‌گردان شده‌اند یا می‌خواهند به اسلام گرایش پیدا کنند راحت‌تر باشد.

مسئله ۹۵- اجزای مردار که روح ندارد مانند پشم و مو و ناخن پاک است، ولی استخوان، و قسمتی از دندان و شاخ که روح دارد یعنی اگر آسیبی به آن برسد ناراحت می‌شود، اشکال دارد.

این مسئله جدا از اینکه خنده‌دار است جای نکته‌ای را خالی گذاشته و آن اینکه حیوان بخت برگشته را به زمین زدن و زنده و سالم سریریدن او ناراحتی ندارد. نمی‌خواهم وارد بحث روح شوم که خود بحثی است طولانی. اما تفکر در دیگر نکات نهفته در این مسئله را به ذهن روشن خوانندگان گرامی می‌سپارم.

مسئله ۱۱۱- سگ و خوک معمولی نجس است، حتی مو و پنجه و ناخن و رطوبتهای آن نجس می‌باشد ولی سگ و خوک دریایی پاک است.

در این مسئله کار به نجس بودن خوک ندارم. اما سگ را نجس معرفی کرده است. در ادامه مسائلی را می‌آورم که در مورد سگ شکاری است. آب دهان سگ نجس است در اسلام. اما این را بیان نکرده که حیوانی را که شکارچی شکار کرده سگ به دهان بگیرد و بیاورد و آب دهان او به آن حیوان مالیده باشد یا دندان‌های سگ در بدن او فرو رفته باشد چه باید کرد؟ آیا گوشت آن نجس می‌شود؟ اصلاً چرا سگ که نجس است باید از آن در شکار استفاده کرد؟

مسئله ۲۲۴۳- هرگاه چند سگ را برای شکار حیوانی بفرستند چنانچه همه آنها دارای شرایط فوق باشد شکار حلال است و اگر بعضی از آنها دارای این شرایط نیست شکار حرام است.

مسئله ۲۲۴۴- هرگاه سگ تربیت شده را برای شکار حیوانی بفرستد ولی آن سگ حیوان حلال دیگری را شکار کند، اشکالی ندارد، همچنین اگر آن حیوان را با حیوان دیگری شکار کند هر دو حلال است.

مسئله ۲۲۴۵- اگر چند نفر باهم سگی را بفرستند و یکی از آنان کافر باشد، یا عمداً نام خدا را نبرد، یا چند سگ بفرستند و یکی از آنها تربیت شده نباشد بنا بر احتیاط واجب باید از گوشت آن شکار پرهیز کرد.

مسئله ۲۲۴۶- هرگاه به وسیله باز شکاری یا حیوان دیگر تربیت شده‌ای غیر از سگ، حیوانی را شکار کند آن شکار حلال نیست، مگر این‌که وقتی برسند که حیوان زنده باشد مطابق دستور شرع آن را ذبح کنند، در این صورت حلال است.

در این مسائل اشاره شده که زمانی گوشت حیوان شکار شده حلال است که توسط سگ شکار شده است. یعنی سگ آن را گاز بگیرد و خفه کردن هم قبول نیست. معنی این تناقض چیست؟ ابتدا سگ نجس است اما اگر برای شکار تربیت شود جای دهان او پاک می‌شود. اگر حرف من را سفسطه می‌پندارید به مسئله ۲۲۴۵ توجه کنید: اگر چند مسلمان و حداقل یک کافر سگی را بفرستند و حیوانی شکار شود (تعیین نشده سگ متعلق به کیست یا متعلق به همه است) فقط به این دلیل که کافری حضور دارد شکار حرام است. در این مسائل تعیین نشده که اگر سگ را کافری تربیت کند چه حکمی دارد. در مسئله ۲۲۴۶ شکار سگ، یعنی حیوانی که پیش از نجس شمرده می‌شد حلال است اما شکار باز شکاری حرام است.

مسئله ۱۱۳- کافر یعنی کسی که خدا، یا پیامبر اسلام ﷺ را قبول ندارد، یا برای خدا شریکی قرار می‌دهد بنا بر احتیاط نجس است، هر چند به یکی از ادیان آسمانی، مانند آیین یهود و نصاری ایمان داشته باشد.

یکی از شعارهای اسلامی نژادپرست نبودن اسلام و مسلمانان است. این مسئله به خوبی گویای نژادپرستی اسلام است. هدف این مسئله به خوبی روشن است اما جهت طنز عرض می‌کنم که نجس بودن در اینجا دقیق مشخص نیست. آیا کافران (اهل کتاب و مرتدان و ملحدان) کثیف هستند و عامل بیماری یا اینکه به خاطر تفکراتشان باید از آنها دوری کرد؟ اگر آنها کثیفند خوب این همه اختراعات بشر برای درمان کثیفی و بیماری اگر به خاطر تفکراتشان است چرا اسلام این قدر از کافران در هراس است؟ اگر اسلام بر حق است چرا حجت خود را بر دگراندیشان روشن نمی‌کند؟

مسئله ۱۲۲- تمام فرقه‌های اسلامی پاکند، مگر آنها که با ائمه معصومین علیهم‌السلام عداوت و دشمنی دارند و خوارج و غلات، یعنی غلوکنندگان در حق ائمه علیهم‌السلام.

این مسئله شما را یاد تفکرات وهابی‌ها و طالبان نمی‌اندازد؟

مسألة ۱۳۴- منظور از عرق جُنُب از حرام عرقی است که در آن حال یا بعد از آن، پیش از آن که غسل کند از بدن او بیرون می‌آید.

مسألة ۱۳۵- هرگاه جنب از حرام به واسطه نداشتن آب، یا عذر دیگر، یا تنگی وقت تیمم کند، عرقهای بدن او بعد از آن پاک و نمازخواندن با آن، جایز است.

در مسائل پیش از این دو مسأله بیان شده هرگاه عرق جنب پیش آید فرد غسل کند یعنی به روش مخصوصی با آب تن را بشوید، اما در مسأله ۱۳۵ با يك تیمم یعنی با کمی خاك تمیز بر دست و پیشانی مالیدن عرق بدن او آن پاک می‌شود. در اینجا ابهامی وجود دارد. درست بیان نشده عرق جنب او پاک می‌شود یا هر عرقی که پس از تیمم بیرون آید پاک می‌شود اگر عرق‌های بدن او پس از تیمم درست است پس تکلیف عرقی که از جنب بر بدن نشسته چه می‌شود؟ یعنی خاك نیروی جادویی دارد؟ دقت بیشتر در این مسأله با شما خوانندگان گرامی.

مسألة ۲۲۵- در بحث نجاسات گفتیم احتیاط واجب آن است که از کافر اجتناب شود حال اگر کافر شهادتین بگوید یعنی بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» مسلمان می‌شود و بدن او پاک می‌گردد، ولی اگر عین نجاست در بدن او باشد باید آن را برطرف کرده و جای آن را آب بکشد، ولی اگر قبل از اسلام آوردن عین نجاست برطرف شده باشد لازم نیست جای آن را آب بکشد.

مسألة ۲۲۶- لباسی که بر تن کافر است وقتی اسلام آورد پاک نمی‌شود بنابراین احتیاط واجب.

مسألة ۲۲۷- هرگاه کافر شهادتین نگوید، ولی قلباً به معنی آن ایمان داشته باشد مسلمان است، اما اگر بر زبان جاری کند و یقین باشد که قلباً به آن ایمان ندارد احتیاط واجب آن است که از او اجتناب شود.

پیش تر به طنز گفتیم که نجس بودن کافر به چه دلیل است اما در این سه مسأله به روشنی بیان شده که کافران کثیف هستند یعنی درست طهارت نمی‌کنند و امثال اینها. به نظر شما اگر کافری درست حمام کرده و با روش اسلامی تمیز شده باشد اما شهادتین نگوید آیا می‌شود به او دست زد آیا باز هم کثیف هست؟

مسألة ۵۸۰- اگر زن کافری از دنیا برود و بچه در شکم او نیز بمیرد، چنانچه پدر آن بچه مسلمان باشد باید زن را در قبر به پهلوی چپ پشت به قبله بخوابانند تا روی بچه به طرف قبله باشد، حتی اگر هنوز روح به بدن بچه داخل نشده باشد (یعنی هنوز حس و حرکت پیدا نکرده است) بنابراین احتیاط واجب به همین دستور عمل کنند.

مسلمانان عادت دارند هر اتفاقی می‌افتد نفعی از آن ببرند درست مانند احکام ارث که با وجود وارث مسلمان ارث به کافر نمی‌رسد. مثلاً در اینجا چنین مرده را سریع مسلمان می‌کنند. این مسأله گرچه برای دگراندیشان اهمیتی ندارد اما باید با پرداختن به چنین مسائلی اوج خودخواهی اسلام‌گرایان را دید.

مسألة ۲۰۴۸- زن مسلمان نمی‌تواند به عقد کافر درآید، همچنین مرد مسلمان نمی‌تواند بنا بر احتیاط با زن کافر ازدواج دائم کند ولی ازدواج موقت با زنان اهل کتاب مانند یهود و نصاری مانعی ندارد.

در اینجا ازدواج با کافران را حرام دانسته و اشکالی به ازدواج پدر مسلمان با زن کافر نمی‌گیرد. شاید هم این بچه را حاصل عقد موقت دانسته.

مسألة ۱۵۰۰- در میان بسیاری از خانواده‌ها معمول است که جهیزیه دختران را تدریجاً تهیه می‌کنند، چنانچه سال بر آن جهیزیه بگذرد خمس آن واجب است ولی در مناطقی که اگر جهیزیه را قبلاً تهیه نکنند عیب است و یا این که تهیه آن جز به صورت تدریجی مشکل است، خمس ندارد.

قصده نداشتیم وارد مسائل خمس شوم زیرا ماهیت آن آشکار است و همگان خوب آن را می‌شناسند اما این‌گونه مسائل به قدری ظالمانه است که نتوانستم از آن بگذرم. در اینجا اسلام دست از سر نوعروسان هم برنمی‌دارد و باید آن را خرج حوزه‌های علمیه (البته به تعبیر خودشان) کرد. شما اگر درآمد متوسطی داشته باشید جهیزیه دخترتان را در یک‌سال تهیه کرده باشید حاضرید یک پنجم آن را به عنوان سهم امام بدهید تا خرج حوزه‌ها و به اصطلاح خودشان مصالح مسلمین کنند؟

۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان می‌خرد

مسألة ۱۵۶۳- هرگاه کافر ذمی، یعنی کافری که به صورت یک اقلیت سالم در کنار مسلمانان زندگی می‌کند و شرائط ذمه را پذیرفته است، زمینی را از مسلمان بخرد باید یک پنجم عواید را به جای یک دهم زکات معمولی بپردازد.

مسألة ۱۵۶۴- هرگاه کافر ذمی زمینی را که از مسلمانی خریده به مسلمان دیگری بفروشد خمس ساقط نمی‌شود، همچنین اگر بمیرد مسلمانی آن زمین را از او به ارث ببرد احتیاط آن است که خمس آن را بپردازد، اگر کافر ذمی در موقع خرید زمین شرط کند که خمس آن را ندهد، یا شرط کند که فروشنده خمس آن را بدهد، شرط او باطل است و باید خمس آن را خودش بپردازد، ولی اگر شرط کند فروشنده به جای او مقدار خمس را بدهد عمل به این شرط لازم است.

مسألة ۱۵۶۵- هرگاه مسلمان زمینی را بدون خرید و فروش ملک کافر کند و عوض آن را بگیرد، مثلاً به او صلح نماید، بنا بر احتیاط واجب باید کافر ذمی خمس آن را بدهد.

اگر اسلام ۱۴۰۰ سال پیش با زور شمشیر وارد ایران شد و کسانی که ایمان نمی‌آوردند جزیه می‌دادند تا غارت نشوند در دنیای امروز به نوعی دیگر از کافران باج می‌گیرند. اگر این سه مسأله را از دید دنیای امروز ایران بررسی کنید می‌بینید که یا باید دین خود را ببوشانید و بعد معامله کنید یا باید به مالاها باج بدهید.

- در اینجا نکته‌ای را یادآور می‌شوم که خمس و زکات به شرطی که به یک فقیر واقعی داده شود و درمانده‌ای را آسوده کند نیک می‌دانید که خوب است و بنده منکر این نیستم اما خرج آن برای حوزه‌ها و سیدها (این ساخته خود آنهاست زیرا شخصی [پیامبر اسلام] که عقیم باشد چطور می‌تواند این همه نوازه داشته باشد؟) تنها پشتوانه آنها را محکم می‌کند تا به تحمیق و استعمار مردم بپردازند.

مسئله ۱۶۵۳- مستحقین زکات باید شرایط زیر را داشته باشند:

اول، ایمان به خدا و پیغمبر اکرم ﷺ و ائمه دوازده‌گانه علیهم‌السلام، به اطفال یا دیوانگانی که از مسلمانان شیعه فقیر باشند می‌توان زکات داد، منتهی باید زکات را به دست ولی آنها بدهند، خواه به نیت تملیک به طفل یا دیوانه باشد یا به قصد مصرف کردن درباره آنها و اگر به ولی دسترسی ندارد می‌تواند خودش یا به وسیله یک نفر امین زکات را برای احتیاجات آنها صرف کند.

مسئله ۱۶۵۴- دوم، دادن زکات باید مایه کمک به گناه نشود، بنابراین زکات را به کسی که آن را در معصیت صرف می‌کند نمی‌توان داد و احتیاط واجب آن است به

شرایخوار نیز زکات ندهند.

به نظر شما بهتر نیست به جای طرح این مسائل نژادپرستانه، خرج زکات را برای همه فقیران و... قرار می‌دادند تا حداقل دیگر فرقه‌های اسلامی و دگراندیشان به شیعه و اسلام جذب شوند؟ یا حداقل در کنار آنها بودن را برای خود افتخار به حساب بیاورند؟

*توصیه می‌کنم برای خنده هم که شده بحث زکات حیوانات و معاملات حرام و باطل را مطالعه کنید. در بحث معاملات حرام و باطل فروش آلات موسیقی را حرام شمرده در صورتی که علنا کسی به آن عمل نمی‌کند.

مسئله ۲۰۴۹- اگر با زن شوهرداری (نعوذ بالله) زنا کند آن زن برای همیشه بر او

حرام می‌شود، یعنی اگر از شوهرش طلاق بگیرد نمی‌تواند با او ازدواج نماید (بنابر احتیاط).

این فتوا در میان همه مراجع تقلید مشترك است. در جامعه روز ایران خیلی از ازدواج‌ها پس از زنا با زن شوهردار اتفاق می‌افتد آیا کسی به فتوای این مراجع عظام!!! عمل می‌کند؟

مسألة ۲۰۸۷- در صورتی که زنی مقید به حفظ حجاب شرعی است نگاه کردن به عکس بدون حجاب او اشکال دارد، مگر این که او را نشناسد و مفسده دیگری از نگاه کردن حاصل نشود.

این فتوا موجب سوءاستفاده کسانی که عکس های خصوصی دیگران مانند همین عکس های بدون حجاب دخترانی که بدون حجاب در خانه هستند را پخش می کنند، می شود.

مسألة ۲۱۳۲- هرگاه مردی بخواهد زن برادرش به او محرم شود می تواند دختر شیرخواری را با اجازه ولی او به عقد موقت خود درآورد و در همان حال زن برادرش آن دختر را شیر کامل دهد و بنا بر احتیاط واجب باید مدت عقد موقت بقدری باشد که دختر به حد قابلیت بهره گیری جنسی برسد و چنین عقدی موافق مصلحت دختر نیز باشد.

یکی از خنده دارترین مسائل این کتاب همین مسئله هست. به خاطر محرم شدن با یکی از نزدیکان که دیگر عضوی از خانواده آنهاست، باید زندگی یک دختر را تباه کنند. وقتی می گویند زن يك کالا یا شیء در اسلام به کار می آید کاملاً درست می گویند. حال از کجا معلوم زن برادر فلان کس نازا نباشد یا اینکه در آن زمان که لازم است باید يك بچه بیاورد شاید پدر آن بچه نتواند خرج آن را بدهد. این اوج چاره جویی يك مجتهد که عمري درس خوانده است و مرجع تقلید بسیاری از شیعیان است.

ناخودآگاه به یاد آن فتوای استاد مصري افتادم که برای زن و مردی که در يك اتاق کاری هستند برای محرم شدن زن مقداری شیر به آن مرد بدهد تا به او محرم شود. البته نحوه شیر دادن را مشخص نکرده است. که باید در لیوان بریزد یا تا حد سیری از سینه زن بخورد!!!!

مسألة ۲۱۳۳- شیر دادنی که علت محرم شدن است به دو چیز ثابت می شود:

اول: خبر دادن عده ای که انسان از گفته آنها یقین پیدا کند.

دوم: شهادت دو مرد عادل یا چهار زن عادل، بلکه احتیاط واجب آن است که به شهادت یک مرد با یک زن هم اکتفا کند، ولی شاهد ها باید شرایط شیر دادن را هم بگویند، مثلاً بگویند ما دیده ایم که فلان بچه پانزده بار از پستان فلان زن شیر کامل با شرایطی که در مسألة ۲۱۱۶ گفته شده خورده است و اگر بدانیم همه آنها شرایط را می دانند و در آن توافق دارند، شرح دادن آن لازم نیست.

در این مسأله یکی از فتوای زن ستیزی را می بینید ۲ مرد برابر ۴ زن است. پس از اعتراض های گسترده انسان دوستان طی سالهای اخیر جمله دوم را به آن اضافه کرده اند اما روی حرف نخست خود پایبندند.

مسأله ۲۲۶۱- خوردن خاک و گِل حرام است، ولی خوردن کمی از تربت پاک حضرت
سیدالشهداء امام حسین علیه السلام (کمتر از یک نخود) به قصد شفاء اشکال ندارد و
همچنین گل داغستان و گل ارمنی که برای معالجه می‌خورند در صورتی که علاج
منحصر به آن باشد جایز است.

جای تأسف دارد که مرجع تقلیدی که باید خرافه‌زدایی کند خود باعث خرافه می‌شود. خود اینها معتقدند
دیگران خرافه وارد می‌کنند و شرک می‌ورزند اما این مسأله نمونه آشکار تقصیر خود مراجع است.

* مسائلی که در بالا به آن پرداخته شد تنها مسائلی کمی بودند از این کتاب طنز. متأسفانه مسائل پیش‌تری
بود که نیاز به رجوع به منابع بود تا با ذکر منابع به آنها پرداخته شود که بنده دسترسی به آن منابع نداشتم.
این گفتار تنها به این سبب نگاشته شد که هر کس هرچند سخت به اسلام پای‌بند است اما گاهی لازم است با
نگاهی انتقادی به دین نگریست تا سودجویان از علما تفکیک شوند. فتوای انسان‌ستیز و سودجویانه مانند
خمس نشان از یک اندیشه بیمار دارد.

به امید روزی که ایرانیان دست از تقلید میمون‌وار از تازیان بیگانه برکشند.

امرداد ماه ۷۰۲۹ ایرانی، ۱۳۸۶ تازی
سیاوش

درفش کاویانی



[/http://derafsh-kaviyani.com/parsi](http://derafsh-kaviyani.com/parsi)